انترناسیونال ٧٣٠

علی جوادی

**به نام نامی مردم، به كام جانیان و طبقات حاكم!**

**در حاشیه سخنرانی روحانی و ترامپ و نتانیاهو در سازمان ملل**

سخنرانی روحانی و ترامپ را هم گوش كردم و هم دقیقا خواندم. مایلم قبل از اینكه به جوانب مختلف و یا فرازهایی از سخنرانی این دو نگاهی بیندازم، ابتدائا احساسم را بیان كنم. نفرت و انزجار بیان گویا و همراه با نزاكت سیاسی بیان احساسم است. هر جمله و هر پارگرافی از این سخنرانی ها توهین به شعور و حقیقت است. توهین به بشریت است. توهین به مردم و جامعه ای است كه زندگی شان در زیر دست و پای این جانیان طبقات حاكم به اسارت گرفته شده است. زمانیكه راس جانیان اسلامی حاكم بر ایران از حكومتی "آزاد" و "حقوق بشر و حقوق شهروندی" صحبت میكند، نمیتوان احساس انزجار خود را پنهان كرد. سخت است، واقعا غیر ممكن است. زمانیكه دانالد ترامپ این نئوفاشیسم راس هیات حاكمه آمریكا بی پروا اعلام میكند، "اگر ناچار شویم، كره شمالی را نابود میكنیم" دارد به قابلیت و توان نیروهایشان در انجام یك جنایت جنگی دیگر و كشتار میلیونی صحبت میكند. بی مهابا و بی اعتنا به میلیونها قلبی كه در پس این قلدرمنشی ها و میلیتاریسم از تپش باز خواهند ایستاد. این جانیان امروز حاكم بر سرنوشت جوامع بشری اند. باید جهان را از شر این جنایتكاران رها كرد.

**"حكومتی مردم سالار و آزاد"**

روحانی از مضحكه انتخاباتی در ایران آغاز میكند. این مضحكه را "حاصل بلوغ سیاسی و اجتماعی در جامعه" میداند، جامعه ای كه "تنها چهار دهه است حكومتی مردم سالار و آزاد را تجربه میكند." عجیب است. جامعه ای خواستار نابودی و سرنگونی انقلابی حكومت اسلامی حاكم بر ایران است، اما یكی از روسای این حكومت با وقاحتی بی حد و حصر در مقابل چشمان جامعه بشری اعلام میكند كه انتخابات در ایران آزاد است، حكومت مردم سالار و آزاد است! براستی چه كسی نمیداند كه در ایران اسلام زده، هر انسان آزاده، برابری طلب و حق طلبی را كه صدای اعتراض خود را بلند كند، به زندان و شكنجه میكشند، و اگر نمیتوانند بسادگی مانند سالهای شصت و شصت و هفت دسته جمعی اعدام كنند و در گورهای دسته جمعی از كشته ها پشته سازند، بخاطر مقاومت و مبارزه ای است كه این جامعه از سر گذرانده و هر روز در جریان است. بخاطر عقب نشینی ای است كه به حكومت اسلام تحمیل كرده اند. این مردم، این جامعه حكم به سرنگونی رژیم اسلامی داده است. و اگر بخشی از جامعه در مضحكه انتخاباتی رژیم اسلامی شركت میكنند، نه دلیل آزادی انتخابات بلكه نشان تلاش برای ایجاد شكاف در صفوف رژیم اسلامی و چوب لای چرخ این حكومت گذاشتن است. تنها یك روز آزادی در جامعه، عمر حكومت اسلامی را به شمارش می اندازد.

**"صلح زیباست، عدالت زیباست"**

روحانی خطوط استراتژیك سیاست بین المللی خود را با این كلمات كلیدی بیان میكند. شاعر گونه و لطیف!؟ اعتدال، صلح، عدالت، زبان كرامت. این مجموعه مفاهیم هر كدام بار عمیق و تاریخی ای را با خود حمل میكنند. اما همین مفاهیم تاریخی كه جایگاه ویژه ای در ادبیات توده مردم دارد، زمانیكه از زبان سران حكومت اسلامی خارج میشود، ذره ای از حقیقت و واقعیت سیاستهای حكومت اسلامی را بیان نمیكنند. تاریخ این حكومت روشن است. این حكومت بر مبنای ترور و تروریسم متولد شد. سینمای ركس آبادان را به آتش كشید و زنده زنده بیش از چهارصد نفر را جزغاله و خاكستر كردند. این حكومتی است كه ترور ابزار اصلی گسترش سیاستهایش در منطقه است. این حكومتی است كه دو روز بدون زندان و شكنجه و ابزار وحشیانه سركوب دوام نخواهد آورد. این حكومتی است كه هر اعتراض حق طلبانه را به خاك و خون كشیده است. حتی نیروهای صفوف خودشان هم به این همه عوامفریبی و شارلتانیسم خواهند خندید. تلاش برای پیچیدن یك سیاستی تروریستی در زرورق صلح و عدالت یكی از ویژگی های این جناح این جماعت اسلامی است. رژیم اسلامی با صلح و عدالت و كرامت انسانی جای پای خود را در كانونهای بحرانی منطقه باز نكرد، با ترور و آدمكشی و جنایت پیش رفت. "صلح زیباست، عدالت زیباست"، اما حكومت اسلامی تمامی ذرات وجودش علیه صلح و عدالت است.

**در صف مقدم مبارزه با تروریسم"**

تروریسم یك واقعیت كریه زندگی بشر معاصر است. حكومت اسلامی پرچمدار و پدرخوانده این سنت كثیف اسلامی است. داعش و القاعده و طالبان و حزب الله و اخوان المسلمین و حماس شاخه های دیگر این تروریسم اسلامی اند. امروز نه تنها این نیروهای تروریست به جان جامعه افتاده اند و در هر كجا جنایتی جدید می آفرینند، بلكه شاخه های مختلف آن در یك جدال خونین قرار گرفته اند. شاخه تروریسم اسلامی حكومت اسلامی و شاخه دیگرش كه عمدتا تحت نفوذ و كنترل عربستان قرار دارد. جدال داعش و نیروهای حكومت اسلامی گوشه ای از این جدال دو گرایش اصلی تروریسم اسلامی در دنیای امروز است. اما روحانی در سازمان ملل بیشرمانه اعلام میكند: "ما امروز در صف مقدم مبارزه با تروریزم و تندروی مذهبی در خاورمیانه قرار داریم نه از موضع فرقه‌ای و قومی که از موضعی انسانی، اخلاقی و استراتژیک." و آنچه در درجه اول وجود هر انسان آزادیخواه و انسانگرایی را سرشار از خشم و نفرت میكند، بخش پایانی این اظهارات است، "از موضعی انسانی، اخلاقی و استراتژیك." كدام موضع انسانی؟ كدام موضع اخلاقی؟ این حكومتی است كه بنیانهای فلسفی اش با تقلیل انسان به انسان اسلام زده و نابودی غیر از خودی پایه گذاری شده است. انسان آزاده، زن برابر، مرد آزاده در دیدگاه این جریان انسان قلمداد نمیشوند. مستوجب اعدام و سنگسار اند. میگوید: "ما برای ترویج فرهنگ و تمدن و مذهب و انقلابمان، در قلبها وارد می شویم و با عقلها سخن می گوئیم". اما فراموش كرد كه بگوید، با دشنه و گلوله! همان گونه كه در مغز امثال غلام كشاورز رخنه كردند. همانطور كه در قلب فرخزادها رسوخ كردند.

**برجام، فرجام برجام**

حكومت اسلامی بر این باور كودنانه بود كه با عقب نشینی و سركشیدن جام زهر برجام، میتوانند به اقتصاد به بن بست رسیده حكومت اسلامی رونقی ببخشد. از قرار سرمایه های خارجی در پشت مرزهای ایران صف كشیده بودند تا به جامعه ایران سرازیر شوند. اشتغال ایجاد كنند، تولید كنند، سطح درآمد را افزایش دهند و ایران اسلام زده و غارت شده واقعا كشور گل و بلبل شود. اما چنین نشد. نه برجام چنین هدفی را دنبال میكرد و نه معضل اقتصاد بحران زده در ایران با این چرخشها و مانورها قابل درمان حتی بطور مقطعی بود. مشكل اقتصاد ایران حتی در چهارچوب مناسبات استثمارگرایانه سرمایه داری، مشكل حكومتی است. مشكل حاكمیت اسلام در جامعه است. مشكلی حتی فرا كشوری است، منطقه ای است. خاورمیانه منطقه ای مناسب برای صدور سرمایه و تكنولوژی غرب نیست. معضلات استراتژیك منطقه ای سایه تاریكی بر فراز سر این جوامع قرار داده است. اما روحانی و این جناح حاكمت اسلامی كماكان به این تغییر ریل استراتژیك غرب در قبال حكومت اسلامی دل بسته است. آینده حكومتشان را در گرو این چرخش سیاسی می بینند. بدون برجام، بدون معامله و بند و بست با غرب هم جناح خودشان و هم حكومت خودشان را بازنده می بینند. از این رو حتی خامنه ای ناچار به "نرمش قهرمانانه" شد. اما این خوشخیالی های اولیه جای خود را به نا امیدی برای دلباختگان این سیاست داد. مایوسانه التماس میكنند. به نئوفاشیست مستاجر كاخ سفید نصیحت میكند كه "دولت جدید آمریکا با پیمان شکنی و نقض تعهدات بین المللی، فقط اعتبار جهانی خود را می‌شکند و اعتماد دولت‌ها و ملت‌ها نسبت به هر گونه مذاکره و تعهدات آینده خود را از دست می‌دهد." دیدنی است. نیرویی كه یك ركن فلسفه وجودی اش، تقابل كور و ضد انسانی با غرب است، اكنون به التماس و استغاثه همان درگاه افتاده است.

**غول اقتصاد**

روحانی عوامفریبانه ادعا میكند كه "سال گذشته نیز نشان داد که اقتصاد ایران می تواند با پتانسیل رشد یک تریلیون دلاری در بیست سال پیش رو، امیدبخش ترین اقتصاد نوظهور جهان شود." در پاسخ باید گفت كه "امید بخش ترین اقتصاد نوظهور" حتی یك شوخی بیمزه نیز نیست. فقر و فلاكت گسترده، فحشا، اعتیاد، كودكان خیابانی، بی خانمانی، گورخوابی بیان مناسبتری از این "امید بخش ترین اقتصاد" است. این اقتصاد "نوظهور" نیست، یك سرمایه داری در بن بست و بحران است. اما روحانی به ذخائر نفت و گاز اشاره میكند. وعده فضای حقوقی مناسب برای سرمایه گذاری در ایران را میدهد، از دول سرمایه داری جهان میخواهد كه در استثمار و چپاول اموال جامعه شریك شوند. وعده میدهد كه به تمامی قواعد بین المللی از كپی رایت و مالكیت فكری پای بند خواهند بود. اما از قرار دیگر گوش شنوایی نیست.

سخنان روحانی در اجلاس سازمان ملل تماما ریاكارانه مختص حكومت اسلامی بود. اما این تنها یك روی سكه شارلتانیسمی است كه اجلاس سازمان ملل شاهد آن است. در روی دیگر سكه باید به سخنرانی ترامپ و نتانیاهو پرداخت.